

کشاکش‌های من و اظهارات آقای رییس دانا!

با سلام؛ در میزگردی که متن آن در شماره‌ی سی‌ویکم مجله‌ی فرهنگ توسعه به چاپ رسیده، آقای فریبرز رییس دانا اظهار داشته است «وزیر ارشاد مطرح می‌کند که هرچه سریع‌تر می‌توانید بروید آن [کانون نویسندگان] را شکل بدهید من گمان می‌کنم - احساس می‌کنم - یکی یکی دارند جا می‌زنند.»

این جانب به عنوان کسی که از سال ۱۳۵۶ عضو کانون نویسندگان ایران بوده و نیز به عنوان کسی که از سال ۱۳۶۲ یعنی از زمان حبس رمان «روضه‌ی قاسم» در چاپخانه با عملی معظّم آن وزارتخانه به خاطر ۶ کتابی که تا این زمان جاب و یا انتشار و یخش آن در گرو مرحمت ایشان بوده است، کشاکش‌ها داشته‌ام، ضمن اظهار تأسف و هم‌چنین تعجب از این سخنان، برای روشن شدن ادّهانی که لابد گمان می‌کنند برخی اظهارات خوش و تعارفات بی‌مزه در باب نویسندگان این مملکت بروزی عملی و غیرتبلیغاتی داشته است، لازم می‌بینم چند جمله‌ای به عرض برسانم:

۱- کانون نویسندگان ایران علی‌الاصول هرگز بنا نداشته است با «می‌توانید» و «نمی‌توانید»‌های ادارات دولتی برقرار و یا تعطیل بماند. چرا که نمی‌خواسته است عمل‌کرد، شیوه و نوع فعالیت خود را که همانا مبارزه با سانسور است تا حد انتظارات همان ادارات تقلیل دهد.

۲- معنای جامعه‌ی مدنی این نیست که پیغام و پیغام بدهند که حالا «می‌توانید» بروید انجمن و یا حزب درست کنید و یا این که عجاله «نمی‌توانید» کمی دیگر باید دست نگه دارید. معنای جامعه‌ی مدنی این است که هر گونه فعالیت گروهی که از دل ضرورت‌ها و نیازهای همان گروه برای حفظ منافع مشترک ایشان پدید می‌آید با هیچ شرط و پیش شرطی رویه‌رو نباشد مگر آن چه قانون مقرر کرده است.

۳- این جانب گمان می‌کنم کانون نویسندگان ایران علی‌رغم همه‌ی «می‌توانید» و «نمی‌توانید»‌ها از بدو تأسیس همواره حضوری جدی داشته است. خاموشی گهگاهی آن اگرچه از سر

ضرورت و ناچاری است اما هرگز بی‌ثمر نبوده است چرا که حامل پیامی است که تنها خردمندان می‌توانند آن را دریابند.

۴- رعایت شئونات نویسندگان یک مملکت در این نیست که «بتوانند» کانونی داشته باشند تا به منابه‌ی یک ویتترین تورپست‌های خارجی می‌زنند.

دیدن‌اش دعوت شوند. رعایت این شئونات در این است که ایشان و یا ناشران آثارشان را پشت درهای بسته‌ی اتاق‌هایی که کلمه‌ی ابدی «نه» بر آن حک شده است، سرگردان ن سازند.

متشکرم - امیرحسین چهل تن
۱۳۷۶/۱۱/۱۵

